

کشورشناسی بنگلادش^۱

آمنه قلندرلکی سلطانی^۲

چکیده

جمهوری خلق بنگلادش کشوری آسیایی است و جزء یکی از پرجمعیت‌ترین و فقیرترین کشورهای جهان به شمار می‌رود. پایتخت این کشور شهر داکا با ۱۲,۲۹۵,۷۲۸ نفر جمعیت می‌باشد. مساحت بنگلادش ۱۴۳۹۹۸ کیلومتر مربع و جمعیت آن ۱۵۳۵۴۷۰۰۰ هزار نفر است که به نسبت وسعت تراکم جمعیت بسیار زیاد است. از شهرهای مهم بنگلادش می‌توان به چیتاگونگ با ۲,۵۳۲,۴۲۱ نفر جمعیت، خولنا با ۸۴۲,۹۹۵ نفر جمعیت و راجشاهی با ۷۲۷,۰۸۳ نفر جمعیت اشاره کرد. رودهای گنگ، براهماپوترا (جمونا)، میگهنا و پدما مهم‌ترین رودهای بنگلادش می‌باشد. ۸۳٪ از مردم بنگلادش مسلمان هستند. اکثریت مسلمانان بنگلادش اهل سنت می‌باشند. حدود ۷۶٪ از مردم بنگلادش بی‌سواد هستند و زبان رسمی این کشور بنگالی است. قانون اساسی این کشور در سال ۱۹۷۲ تصویب و اجرایی شد و تشکیلات اساسی قانونی این کشور شامل قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضاییه می‌باشد. این مقاله بر آن است تا موقعیت جغرافیایی، ویژگی جمعیتی، تاریخ سیاسی، قانون اساسی، تقسیمات کشوری، ادیان و مذاهب و وحدت میان آنها، وضعیت فرهنگی و اقتصادی و سیاست خارجی بنگلادش را بررسی نماید.

واژگان کلیدی: آسیا، بنگلادش، داکا، چیتاگونگ، زبان بنگالی.

ویژگی جغرافیایی کشور بنگلادش

جمهوری بنگلادش، واقع در جنوب آسیا، از جنوب شرق با میانمار، از جنوب با خلیج بنگال و از شمال، غرب و شرق با هند هم‌مرز و مساحت آن ۱۴۳۹۹۸ کیلومتر مربع است. پایتخت بنگلادش، شهر داکا و بندر چیتاگانگ از شهرهای مهم آن است (اسعدی، ۱۳۶۹ ش، ج ۲، ص ۱۰).

۱- تاریخ ورود: ۱۳۹۱/۷/۵؛ تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۶/۱۹.

۲- دبیر آموزش و پرورش استان کرمانشاه.

بنگلادش در مسیر رودهای گنگ، براهماپوترا و مگنا - سه رود اصلی این کشور - در ساحل خلیج بنگال قرار دارد و طول سواحل و اراضی دلتایی آن ۵۴۷ کیلومتر مربع است. این کشور از نظر زمین‌شناسی به سه منطقه تقسیم می‌شود: ۱ - تپه‌ها که در بخش چیتاگنگ در جنوب شرقی قرار دارد؛ ۲ - سرزمین‌های مرتفع که شامل ناحیه مدهوپور در شمال داکا، و باربند در شمال غربی است؛ ۳ - جلگه‌ها که ۹۰٪ مناطق بنگلادش را تشکیل می‌دهد. جلگه بنگال که به جلگه سفالی هند و گنگ نیز معروف است، بزرگ‌ترین دلتای جهان است (عبدالکریم، ۱۹۸۸م، ص ۳۳).

رودهای گنگ، براهماپوترا (جمونا)، میگهنا و پدما مهم‌ترین رودهای بنگلادش است. رود گنگ و رودهایی که به آن می‌ریزد، ناحیه وسیعی از جنوب غربی بنگلادش را در بر می‌گیرد. سرچشمه هیچ‌یک از رودهای بنگلادش در داخل این سرزمین قرار ندارد، از این رو بنگلادش بر جریان رودهایی که سرزمین آن را آبیاری می‌کند نظارت کامل ندارد؛ برای مثال، ساخت سد بر بالای رود گنگ در ایالت بنگال غربی هند، موجب تغییر مسیر مقادیر قابل ملاحظه‌ای آب به نفع این ایالت شده است. رودخانه‌های پرشمار، مهم‌ترین چشم‌انداز طبیعی بنگلادش است و به‌طور چشم‌گیری بر سبک زندگی مردم آن‌جا تأثیر گذاشته است. ته‌نشینی رسوبات آبرفتی این رودها باعث غنای خاک کشاورزی می‌شود و ذخایر بزرگ ماهی آنها، منبع غذایی مهمی برای ساکنان این کشور است (کریمی، ۱۳۵۴ - ۱۳۶۰ش، ص ۳۵۰).

بنگلادش آب و هوایی نیمه استوایی (نیمه گرمسیری) دارد که با بادهای موسمی باران‌زا تعدیل می‌شود. سه فصل اصلی عبارت است از: فصل گرم (از اسفند تا خرداد)؛ فصل نسبتاً خنک، اما موسمی، مرطوب و گرم (از خرداد تا شهریور)؛ فصل خشک و خنک (از مهر تا بهمن). متوسط دما از هفت درجه در دی تا ۳۲ درجه در اردیبهشت تغییر می‌کند. دما گاهی به چهل درجه می‌رسد. قریب ۸۰٪ باران سالانه از خرداد تا شهریور می‌بارد. در این زمان، بادهای موسمی باران‌زا از جنوب به جنوب غربی می‌وزد. میانگین باران سالانه در غرب بین ۱۲۷۰ تا ۱۵۲۰ میلی‌متر، و در مناطق دیگر کشور حدود ۲۵۴۰ میلی‌متر است. منطقه سلهت در شمال شرقی بیشترین میزان بارندگی در دنیا را از آن خود ساخته است. طوفان‌های مهیب، گردباد، تندر و تورنادو، گاه کشور را در هم می‌نوردند (اسعدی، همان، ص ۶).

داکا پایتخت بنگلادش، کولنا(خولنا)، چیتاگنگ و ناراین گنج، راج شاهی و بوگرا بزرگ‌ترین شهرهای این کشور است. ۱۷٪ بنگلادش جنگل است و سراسر زمین‌های جنگلی را گیاهان متنوع پوشانده است.

ترکیبات جمعیتی و مذهبی

جمعیت بنگلادش در سال ۲۰۰۰ حدود ۱۵۳ میلیون و ۵۴۷ هزار نفر با میانگین سنی ۲۳ سال بوده است که از این لحاظ هشتمین کشور جهان، و از جهت تراکم، نخستین کشور به شمار می‌رود. این کشور بعد از اندونزی، از نظر جمعیت دومین کشور مسلمان جهان است.

تراکم جمعیت در اطراف داکا به ۸۷۵ نفر در هر کیلومتر مربع می‌رسد. بنگلادش از لحاظ میزان رشد جمعیت ۱/۷۲٪ دوازدهمین، و از نظر مولید و باروری ۲۴/۹٪ ششمین و از بابت نرخ آمار مرگ و میر ۷/۶٪ سومین کشور جهان است (علیزاده، ۱۳۷۹ش، ص ۳). بیشتر جمعیت این کشور روستائین هستند و جمعیت شهرنشین حدود ۲۰٪ می‌باشد. میلیون‌ها نفر از مردم نیز در قایق‌ها و روی آب رودخانه زندگی می‌کنند (أسعدی، همان، ص ۹). امید به زندگی برای زنان ۶۳ و برای مردان نیز ۶۳ سال است. کمتر از ۱/۰ از جمعیت بزرگسال این کشور به بیماری ایدز مبتلا هستند. طبق آخرین گزارش‌ها از بانک توسعه آسیایی، ۹۵٪ از زنان در بنگلادش زیر خط فقر زندگی می‌کنند و با شرایط دشواری روبه‌رو هستند. بر اساس برآورد انجام شده، بیش از ۷۷ میلیون نفر از مردم بنگلادش، یعنی حدود نیمی از جمعیت این کشور، از دهه ۷۰ میلادی و در پی حفر چاه‌هایی که امکان استفاده از منابع آب زیرزمینی را می‌دهد، در معرض سم آرسنیک قرار گرفته‌اند (همان، ص ۱۲).

۹۸٪ از مردم این کشور از نژاد بنگالی هستند. ۸۳٪ از مردم بنگلادش مسلمان هستند. هندوها با حدود ۱۶٪ جمعیت، بزرگ‌ترین اقلیت دینی کشور را تشکیل می‌دهند که شمار آنها به طور مستمر رو به کاهش می‌باشد. ۱٪ نیز اقلیت‌های مذهبی کوچک‌ترند که عبارت‌اند از: بودائی‌ها، مسیحیان، زرتشتی‌ها یا پارسیان. بیشتر مردم بنگلادش از قوم بنگال هستند. اقوام دیگر مانند چاکماها، مارماها، تیپراها و مروها نیز درصد کوچکی (حدود ۱٪) از جمعیت را تشکیل می‌دهد (www.cia.com).

اکثریت مسلمانان بنگلادش اهل سنت می‌باشند. جمعیت اهل سنت بنگلادش به دو دسته تقسیم می‌گردد:

الف - حنفی: اهل سنت پیرو مذهب حنفی که ۹۰٪ جمعیت مسلمانان اهل سنت را تشکیل می‌دهند.

ب - اهل الحدیث: ۱۰٪ جمعیت اهل سنت را تشکیل می‌دهند و پیرو هیچ‌یک از مذاهب چهارگانه نیستند و از لحاظ عقاید و افکار و سلوک به وهابیت بسیار نزدیک می‌باشند. نفوذ وهابیت در بین آنان بیش از نفوذشان در حنفیان است، چون بیشتر مسلمانان بنگلادش پیرو فرقه

صوفیه هستند و عقاید صوفی‌ها به عقاید و افکار امامیه بسیار نزدیک می‌باشد و حساسیت مذهبی بین شیعه و سنی به حدی نیست که در پاکستان و هند و کشورهای دیگر وجود دارد. در بنگلادش قبایل متعددی زندگی می‌کنند که از میان آنها دو قبیله «بده» و «مورانگ» به سبب شیوه خاص زندگی‌شان جلب نظر می‌کنند. «بده‌ها» در واقع کولی‌های دریایی هستند که در برابر کولی‌های صحرایی قرار دارند. آنها عمر خود را از طریق ماهی‌گیری در قایق‌هایی می‌گذرانند که به منزله خانه آنهاست. «بده‌ها» در مجموعه‌ای از بیست تا سی قایق از محلی به محل دیگر کوچ می‌کنند. هر مجموعه برای خود رئیسی دارد که مالک بزرگ‌ترین قایق است. آنها بیشتر سحرکننده مار هستند و به همین جهت «بده» که در زبان بنگالی به معنای مارگیر است، نام گرفته‌اند. آنها در کنار رودخانه زهر مار را به عنوان پادزهر می‌گیرند. زنان «بده» نیز در کار فروش داروهای گیاهان جنگلی فعال می‌باشند. آنان خود را مسلمان می‌خوانند اما مسلمانان این گفته را رد می‌کنند. «مورانگ‌ها» ریشه‌ای مغولی دارند و تمدن آنها به صدها سال قبل باز می‌گردد و نزدیک به بیست هزار نفر از آنها در اطراف کوهستان چیتاگانگ، که پر از جنگل‌های تنگ است، زندگی می‌کنند. آنها به کشاورزی، قالی‌بافی و دامداری اشتغال دارند. در میان آنها هنوز عده‌ای یافت می‌شوند که پیرو هیچ مذهبی نیستند. آنها برای حل اختلافات خود شورایی خاص دارند و فقط به هنگام بلایا، هم‌چون قحطی یا سیل به حکومت متوسل می‌شوند. برنج غذای اصلی آنان می‌باشد. پس از مرگ جسد مورانگ‌ها در ساحل یک رودخانه سوزانده می‌شود (فرزین‌نیا، ۱۳۷۳ش، ص ۲۳).

بیشتر مردم بنگلادش پیرو فقه سنی و حنفی مذهب‌اند. صوفیان و درویشان سهم مهمی در توسعه اسلام در بنگلادش بر عهده داشتند. مردم تعلیمات آنان در مورد تسلیم به خداوند و تزکیه نفس را پیروی می‌کنند. آرامگاه این صوفیان از قدیم بزرگ‌ترین مراکز دعا و نیایش و تعلیم اصول قرآن و سنت در بنگلادش بوده است. روزانه صدها نفر از مردم از نقاط مختلف کشور به این آرامگاه‌ها می‌روند و به مناسبت‌هایی مانند جشن‌ها چند صد هزار نفر در آن‌جا گرد هم می‌آیند. این جشن‌ها نه تنها با حضور مردم عادی، بلکه در حضور رئیس دولت و وزیرای کابینه، ژنرال‌ها، مأموران دولتی رده بالا و بسیاری از استادان دانشگاه‌ها اجرا می‌شود. مردم بنگلادش نیز همانند دیگر مسلمانان پای‌بند اصول و سنن مذهبی خود هستند و در مراسم مختلف مذهبی شرکت می‌نمایند. گسترش مؤسسات اسلامی و مساجد در بنگلادش نشان‌دهنده این امر می‌باشد. علاوه بر آن، این مؤسسه‌ها امر آموزش آداب و سنن مذهبی به مردم را عهده‌دار می‌باشند.

در دوران شکوفایی اسلام در بنگلادش، ترویج و تبلیغ اسلام در بین مردم بیشتر از طریق صوفیان صورت می‌گرفت. در این دوران در جوار کاخ پادشاهان و یا سلاطین، محلی موسوم به

«مریدخانه» قرار داشت که پیروان مذاهب مختلف به هنگام پذیرش اسلام به این محل آورده می‌شدند. مسلمانان اهل سنت این کشور اهل بیت پیامبر ﷺ را دوست دارند و با ارادت خاصی در مراسم عزاداری امام حسین ﷺ در عاشورا شرکت می‌کنند. بیشتر شرکت‌کنندگان در راهپیمایی‌های عاشورا در شهر داکا و دیگر نقاط کشور اهل تسنن می‌باشند. تعزیه در ماه‌های محرم هر ساله در روستاهای بنگال با شور و حرارت خاصی برگزار می‌شود.

وضعیت فرهنگی بنگلادش

حدود ۷۶٪ از مردم بنگلادش بی‌سواد هستند و فقط ۵٪ از نیروی کار فعال این کشور دارای تحصیلات در سطح دیپلم و یا بالاتر هستند. به علت آن‌که بی‌سوادی یک عامل بازدارنده در استفاده از تکنولوژی و روش‌های تولیدی مناسب‌تر محسوب می‌شود، دولت بنگلادش آموزش را در کنار کشاورزی، کنترل جمعیت و تنظیم خانواده جزء بخش‌های اساسی مورد توجه خود قرار داده است (سازمان جغرافیایی ن. م، ۱۳۹۰ش، ص ۲۳).

تعداد مساجد این کشور حدود ۱۵۰ هزار مسجد می‌باشد که بیش از هزار مسجد آن در شهر داکا قرار دارد. بیشتر این مساجد در ناحیه مرکزی و جنوبی شهر داکا واقع شده است. با توجه به بافت اجتماعی، فرهنگی روستاهای بنگلادش معمولاً در هر روستا هر چند خانواده نمازخانه‌ای در محلی بنا می‌کنند و نمازهای یومیه را به جماعت در آن محل اقامه می‌کنند اما نماز جمعه چه در روستاها و چه در شهرها در مساجد جامع محلات اقامه می‌گردد. (www.tpo.ir).

زبان رسمی بنگلادش بنگالی است که از زبان‌های هند و اروپایی و دارای لهجه‌های متفاوتی است و تقریباً همه مردم به زبان بنگالی گفت‌وگو می‌کنند و تنها چند صد هزار مسلمان که به دنبال تقسیم شبه قاره هند، از ایالت بیهار هند به بنگلادش مهاجرت کرده‌اند به زبان اردو سخن می‌گویند (بنگلادش، ۱۳۶۶، ص ۳۹).

۵۱/۷٪ مردان و ۲۹/۵٪ زنان بنگلادشی باسوادند (آمار ۲۰۰۰م) که رقم بسیار نازلی در قاره آسیاست. زبان تحصیلی در دوره ابتدایی، بنگالی و در دوره متوسطه همراه با انگلیسی است. بر طبق همین آمار کمتر از یک پنجم مردم تحصیلات متوسطه دارند و حدود ۳٪ به دانشگاه راه می‌یابند. بنگلادش دارای چندین دانشگاه و مدرسه عالی در رشته‌های مختلف است. دانشگاه داکا که بزرگ‌ترین دانشگاه کشور است و نیز دانشگاه اسلامی جهانگیر نگر و دانشگاه فنی و مهندسی در داکا قرار دارد. روزنامه‌های پرتیراژ متعددی در این کشور به چاپ می‌رسد. «اتفاق داکا» که به زبان بنگالی منتشر می‌شود، از مهم‌ترین روزنامه‌های بنگلادش است (کتاب سال جهان اروپا، ۱۹۹۸م، ذیل واژه بنگلادش؛ أسعدی، همان، ج ۲، ص ۱۰۶).

بنگلادش در موسیقی، معماری، مجسمه‌سازی و نقاشی پیشینه‌ای غنی دارد. معماری سنتی بنگلادش در آثار باقی مانده از دوره مغولی، تجلی می‌یابد. آثار و ابنیه تاریخی مانند مسجد کوسومیا (۹۶۵) در راجشاهی، مسجد شاه‌محمد (۱۰۹۱) در اگرآ سندور، مسجد داکا و دژ لال باغ (۱۱۹۱ - ۱۱۹۲)، مسجد هفتاد و هفت گنبد در باگرهات و مقبره بی‌بی پری در داکا از شاهکارهای معماری در بنگلادش است. سبک معماری این آثار از نوع معماری اسلامی و شبیه مناطق دیگر شبه قاره است. همچنین آثار معماری، مربوط به دوره پیش از اسلام، بیشتر در نواحی شمال کشور، در پهارپور و مهاستان، و در جنوب، در مینامتی، وجود دارد که سبک معماری آنها بودایی است و به قرن دوم/هشتم بازمی‌گردد. نقاشی سنتی نیز مربوط به دوران مغول است. در آن دوران نقاشان ماهر و خلاق ایران (شاگردان بهزاد) سبک نقاشی مغولی را در آنجا متداول ساختند که رنگ‌های درخشان و تزیینات ظریف هنر اسلامی در آن نمایان است (امجدعلی، ۱۹۸۵، ص ۱۲۳).

ادبیات بنگالی به شدت از زبان و ادبیات فارسی تأثیر گرفته است. در اواسط قرن سیزدهم ادبیات نوین بنگالی به دوران شکوفایی خود رسید. قاضی نذراالاسلام، شاعر ملی و حماسه‌سرا، از چهره‌های معروف ادبیات معاصر بنگالی است. پیوند استوار ادبیات بنگالی با ادب فارسی، بعد از تأسیس بنگلادش، در قالب تشکیل کلاس‌های آموزش زبان فارسی، مبادله دانشجو، تأسیس کرسی زبان فارسی در دانشگاه داکا و اعزام استادان زبان فارسی از سوی جمهوری اسلامی ایران ادامه یافته است (ابوالبشر، ۱۳۶۵ش، ص ۷۷ - ۸۰).

از شاعران بزرگ معاصر این کشور می‌توان به ممتاز رینو اشاره کرد که بیشتر اشعارش به روش کلاسیک می‌باشد. وی بیشتر غزل‌سراست و کمتر به مسایل سیاسی پرداخته است و معمولاً حس غریب درد انسان امروز در شعرهای وی به تصویر کشیده شده است. همچنین، وی در وصف پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام سروده‌های زیادی دارد، که از جمله آنها سرود «نور مجسم» است:

نور محمد، نور مجسم، درود خدا بر او باد.

ذره، ذره با او محرم، درود خدا بر او باد.

عشق محمد، عشق علی، عشق ولی عشق ممتاز.

این همه شادی غم اوست، درود خدا بر او باد.

آمد بلبل نور عرش، ای محمد، ای گل عرش، نگاه کن به برت.

عشق است و عاشق، عاشق باغ بهشت، گل هر طرف گسترده است.

انا انزلناه فی لیلة القدر خیر من الف شهر.

نظر عنایت کن ماه جبین، عارف بهشت عنبر سرشت، مهتاب.

چه شوری برپاست، چه تماشایی است، درود بر سرور ما محمد.
هر صبح با پرواز صدای اذان علی، اذان ولی، ممتاز به چهار سمت سجده بیر.
انا انزلناه فی لیلة القدر خیر من الف شهر.
نظر عنایت کن ماه جبین، عارف بهشت عنبر سرشت، مهتاب (رینو، ۱۳۸۴ش، ص ۲۹).
جشن‌ها و اعیاد بنگالی‌ها به دو دسته جشن‌ها و اعیاد مذهبی و غیرمذهبی تقسیم می‌گردد. از آن جایی که بنگلادش کشوری حاصل‌خیز است و بیشتر افراد این کشور یا به کار کشاورزی مشغول بوده و یا در حرفه‌های مربوط به آن فعالیت می‌کنند، جشن برداشت محصول مهم‌ترین جشن کشور محسوب می‌شود. این جشن مراسمی غیرمذهبی است که تقریباً تمامی بنگالی‌ها در آن شرکت می‌کنند. از جمله جشن‌های غیرمذهبی دیگر جشن سال نو بنگالی، می‌توان به جشن روز استقلال (بیست و ششم مارس)، جشن روز پیروزی (شانزدهم دسامبر)، و جشن روز زبان تاریخی (بیست و یک فوریه) اشاره نمود. از جمله جشن‌های مذهبی نیز می‌توان به عید فطر، عید میلاد نبی، جشن شب قدر که متعلق به مسلمانان است اشاره نمود. هندوهای ساکن بنگلادش نیز دارای اعیاد مذهبی می‌باشند. بوداییان ساکن کشور نیز اعیاد مذهبی و غیرمذهبی مانند روز کریسمس (بیست و پنجم دسامبر) دارند (سازمان جغرافیایی ن.م، همان، ص ۳۳).

تاریخ بنگلادش

مرزهای قدیمی بنگلادش در جنوب آسیا ناشناخته است. در کتاب‌های جغرافیا به اجتماعی از مردم که بنگا نامیده می‌شدند، اشاره شده است. مه‌بهاراتا چندین درگیری را در این اجتماع ذکر می‌کند. مارکوپولو نیز در خاطرات خود به نام بنگلا اشاره می‌کند. تاریخ‌نگاران دیگری هم با نام‌های گوناگون به این منطقه جغرافیایی اشاره کرده‌اند ولی برای نخستین بار نام بنگال در دوران سلطنت اکبرشاه استفاده شد؛ هنگامی که استان شرقی موخالز به عنوان سوب - بنگلا شناخته شد. در روزگار چیرگی بریتانیا بر هند بین سال‌های ۱۸۵۴ - ۱۸۷۴ بنگال شامل این قسمت‌ها بود: ۱- بنگال خاص؛ ۲- ایالت بیهار در هند کنونی و مناطق اریسا و چوتانگپور در غرب؛ ۳- قسمتی از دره سورما در شمال شرقی (بنگلادشی، ۱۳۸۲ش، شماره ۶، ص ۱۵۵).
در سال ۱۸۷۵م هنگامی که ایالت آسام به وجود آمد، بخش‌های کاجار و سیلهت در دره سورما از بنگال جدا شد و به ایالت جدید واگذار گردید. در سال ۱۹۰۵م ایالت بنگال شرقی و آسام از ترکیب پانزده بخش از بنگال، ایالت آسام و ایالت‌های کوچ بیهار، تریپورا و منپور تشکیل شد و داکا، مقر دولت، ایالت جدید شد (همان).

این کشور در زمان تسلط بریتانیا بر شبه قاره هند تا سال ۱۹۴۷ به عنوان پاکستان خاوری شناخته می‌شد. پس از تقسیم شبه قاره هند در سال ۱۳۲۶ش/۱۹۴۷م و تشکیل کشور پاکستان، ناحیه بنگال به دو بخش تقسیم شد: بنگال غربی که به عنوان ایالت جزء هند شد و بنگال شرقی که به نام پاکستان شرقی، یکی از پنج ایالت پاکستان بود (امجدعلی، همان، ص ۱۲۳ - ۱۲۴). خاک هند، میان پاکستان شرقی و چهار ایالت دیگر پاکستان فاصله می‌انداخت.

مردم پاکستان شرقی بجز دین مشترک (اسلام) در سایر زمینه‌ها، به ویژه زبان، با مردم بخش غربی پاکستان تفاوت داشتند و با وجود آن که بیش از نیمی از جمعیت پاکستان در بخش شرقی زندگی می‌کردند تنها یک‌چهارم بودجه صرف آنها می‌شد و درآمد سرانه آنها کمتر از سه-پنجم بخش غربی بود. تمرکز حکومت، اقتصاد و نیروی نظامی در بخش غربی، تبعیض میان این دو بخش را حادتر می‌کرد.

در سال ۱۳۳۱ش/۱۹۵۲م، با اعلام زبان اردو به عنوان زبان رسمی کشور، ناخرسندی مردم پاکستان شرقی افزایش یافت. در سال ۱۳۳۴ش/۱۹۵۵م ساختار سیاسی پاکستان به شکل دو بخش شرقی و غربی با تعداد برابر نمایندگان در مجلس قانون‌گذاری مرکزی، دوباره سازمان‌دهی شد. با وجود این، اعتراضات به ویژه بر سر سهم ناعادلانه بودجه عمرانی و حوزه‌های اداری و نظامی ادامه یافت. حزب عوامی‌لیگ، حزب برجسته پاکستان شرقی، به رهبری شیخ مجیب-الرحمان درخواست خودمختاری بخش شرقی را مطرح کرد. در انتخابات عمومی سال ۱۳۴۹ش/۱۹۷۰م، این حزب اکثریت کرسی‌های مجمع ملی پاکستان را به دست آورده و شیخ مجیب را به نخست‌وزیری انتخاب کرد؛ اما ژنرال یحیی‌خان، رئیس‌جمهور پاکستان، نخست-وزیری مجیب را نپذیرفت و نخستین نشست مجمع را به تعویق انداخت. به دنبال آن، اعتراضات خشونت‌آمیزی در سال ۱۳۴۹ش/۱۹۷۱م به وقوع پیوست. عوامی‌لیگ تصمیم گرفت در ایالت پاکستان شرقی به‌طور یک‌جانبه اعلام استقلال کند و در ششم فروردین ۱۳۵۰ش/۲۶ مارس ۱۹۷۱م، مجیب استقلال پاکستان شرقی را تحت نام بنگلادش اعلام کرد. بلافاصله جنگ داخلی شروع شد. یحیی‌خان، عوامی‌لیگ را غیرقانونی اعلام و رهبران آن را بازداشت کرد و ارتش پاکستان بر ایالت بنگال شرقی تسلط یافت. مقاومت مردم پاکستان شرقی با تشکیل ارتش آزادی‌بخش بنگال شرقی ادامه یافت. این ارتش، حمله وسیعی را بر ضد ارتش پاکستان آغاز کرد. بر اثر این جنگ نزدیک نه میلیون نفر به هند گریختند.

در سوم آذر ۱۳۵۰ش/۴ دسامبر ۱۹۷۱م هند به پاکستان اعلان جنگ داد و در حمایت از ارتش آزادی‌بخش وارد کارزار شد. نیروهای ائتلافی در ۲۵ آذر/۱۶ دسامبر نیروهای پاکستان را به محاصره درآوردند و استقلال بنگلادش تحقق یافت. در دی ۱۳۵۰ش/ژانویه ۱۹۷۲م شیخ مجیب

نخست‌وزیر بنگلادش شد. بر اساس قانون اساسی موقت، بنگلادش کشوری مستقل با حکومت سکولار و نظام دموکراسی پارلمانی اعلام شد.

در سال ۱۳۵۳ش / ۱۹۷۴م این کشور به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. پس از استقلال، بنگلادش با معضلات فراوانی مانند بی‌خانمانی، میلیون‌ها نفر کمبود مراکز درمانی، بهداشتی، صنعتی، آموزشی، ترابری و خطوط ارتباط جمعی روبه‌رو بود. در سال ۱۳۵۴ش/۱۹۷۵م، متمم قانون اساسی که اختیارات اجرایی کامل به رئیس‌جمهور می‌داد، تصویب شد و مجیب‌الرحمان نخستین رئیس‌جمهور بنگلادش شد. او همه احزاب مخالف را ملغی و نظام تک‌حزبی را اعلام کرد.

در سال ۱۳۵۴ش/۱۹۷۵م شیخ مجیب در کودتای افسران اسلام‌گرا کشته شد. چند ماه بعد یک ضد کودتا و کودتا از سوی نظامیان سازمان داده شد و در نتیجه، فرماندهان نظامی با نظارت یک رئیس‌جمهور غیرسیاسی، ابوسادات محمد سایم (قاضی‌القضات دیوان عالی)، قدرت را به دست گرفتند. در سال ۱۳۵۵ش/۱۹۷۶م ژنرال ضیاء‌الرحمان مسئولیت فرماندهی و ریاست حکومت نظامی را به عهده گرفت و در سال ۱۳۵۶ش/۱۹۷۷م به ریاست جمهوری رسید. او با اصلاح قانون اساسی، اسلام را به جای سکولاریسم مهم‌ترین اصل قرار داد.

در سال ۱۳۵۸ش/۱۹۷۹م رهبران نظامی به حکومت نظامی پایان دادند و مردم اعضای پارلمان جدید را برگزیدند. در این انتخابات حزب ملی بنگلادش، به رهبری ضیاء‌الرحمان، بیشتر کرسی‌های مجلس را به خود اختصاص داد. در سال ۱۳۶۰ش/۱۹۸۱م، شورشیان رئیس‌جمهور را ترور کردند. پس از آن، معاون رئیس‌جمهور، عبدالستار به ریاست جمهوری رسید. در سال ۱۳۶۱ش/۱۹۸۲م رهبران نظامی دوباره کنترل حکومت را به دست گرفتند. ژنرال محمد ارشاد قانون اساسی را به حالت تعلیق درآورد و حکومت نظامی برقرار کرد و فعالیت‌های سیاسی را ممنوع ساخت. او در سال ۱۳۶۲ش/۱۹۸۳م خود را رئیس‌جمهور کشور خواند. در آذر ۱۳۶۹/دسامبر ۱۹۹۰م با افزایش اعتراض گروه‌های مخالف، ارشاد از ریاست‌جمهوری استعفا کرد. در اسفند ۱۳۶۹/فوریه ۱۹۹۱م حزب ملی بنگلادش کنترل پارلمان را به دست گرفت و رهبر آن بیگم‌خالده ضیاء، بیوه ضیاء‌الرحمان، نخست‌وزیر شد. در شهریور ۱۳۷۰/سپتامبر ۱۹۹۱م، با اصلاح قانون اساسی بنگلادش، مسئولیت قوه مجریه به نخست‌وزیر داده شد و به این ترتیب رئیس‌جمهور جنبه تشریفاتی پیدا کرد (کتاب سال جهان اروپا، همان).

در همان سال، عبدالرحمان بیسواس از سوی مجلس به ریاست‌جمهوری انتخاب شد. گروه مخالف (به‌طور عمده عوامی‌لیگ) با اقدامات اقتصادی دولت خالده ضیاء، از جمله خصوصی‌سازی اقتصادی، به مخالفت پرداختند. گروه‌های اسلام‌گرا نیز نسبت به برخی مواضع دولت انتقاد شدید

داشتند که گاه به تظاهرات مردمی می‌انجامید. اظهارنظرهای ضد دینی تسلیمه نسرين در مطبوعات بنگلادش در سال ۱۳۷۲ش/۱۹۹۳م، عواطف دینی و خشم مردم مسلمان را برانگیخت و به دنبال فرار او از کشور - که مقدمات آن را مقامات دولتی فراهم آورده بودند - اعتصابات و تظاهرات افزایش یافت. سرانجام بر اثر افزایش مخالفت‌ها خالده ضیاء در سال ۱۳۷۵ش/۱۹۹۶م از نخست‌وزیری کناره‌گیری کرد و دولتی بی‌طرف به ریاست محمد مجیب‌الرحمان مأمور برگزاری انتخابات شد. در همان سال، حسینه واجد، دختر شیخ مجیب‌الرحمان، به نخست‌وزیری و قاضی شهاب‌الدین احمد به ریاست جمهوری رسید (سالنامه آسیا، ۱۹۹۷م، ص ۸۵ - ۸۶).

سیاست مذهبی حکومت

پس از استقلال بنگلادش مادی‌گرایی به عنوان یکی از اصول اساسی سیاست کشور اعلام شد. اما در سال ۱۹۷۷ دولت ضیاء‌الرحمان «ایمان و اعتقاد کامل به خداوند قادر مطلق» را جای‌گزین آن ساخت. ژنرال ضیاء به طور چشم‌گیری ماهیت مادی قانون اساسی بنگلادش را تغییر داد. یکی از اولین اقدامات وی در این خصوص افزودن «بسم الله الرحمن الرحيم» در مقدمه قانون اساسی بود. ماده ۱۲ قانون اساسی که شامل مکانیزم‌های اجرای مادی‌گرایی بود، به کلی حذف شد و یک عبارت جدید به ماده ۲۵ اضافه شد و مقاصد دولت را برای «تثبیت و حفظ و تقویت روابط برادرانه با کشورهای اسلامی بر پایه اتحاد اسلامی» اعلام کرد.

به جز این تغییرات اساسی، اقدامات سمبولیک دیگری نیز انجام شد؛ مانند نصب پوسترهایی در اداره‌های دولتی که در آن آیاتی از قرآن کریم نوشته شده بود و پخش پیام‌هایی توسط رئیس‌جمهور به مناسبت‌های مذهبی مانند عید میلاد پیامبر اکرم ﷺ، شب‌های محرم و پخش مناجات به مناسبت‌های خاص. همچنین فعالیت‌هایی در جهت معرفی اسلام و اصول شریعت از طریق رادیو و تلویزیون انجام گرفته و اذان پنج بار در روز پخش شد.

برخی از تغییرات نیز در سطح اجرایی بود، مانند یک «بخش جدید امور مذهبی» تحت نظارت یک وزیر، و تأسیس یک آکادمی اسلامی که به مؤسسه اسلامی با شبکه گسترده‌ای از امکانات تحقیقاتی تبدیل شد. دولت همچنین یک دانشگاه اسلامی با مرکز تحقیقات اسلامی تأسیس کرد.

با سیاست‌هایی که ضیاء به کار برد، گرایش اسلامی خود را بیشتر نشان داد. وی سخنرانی‌های خود را با نام خدا آغاز می‌کرد. بنگلادش تحت رهبری وی به عضو مؤثری در سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) و کمیته سه‌جانبه القدس و جبهه اتحاد اسلامی تبدیل شد (فرزین‌نیا، همان، ص ۴۳).

دولت ارشاد نیز به روند اسلام‌گرایی ادامه داد. ارشاد به طور قاطع اعلام کرد که اصول اسلام باید در قانون اساسی بنگلادش گنجانده شود. ایجاد صندوق زکات و سیاست آموزشی جدید برای شناساندن زبان عربی و مسائل اسلامی در مدارس نمونه‌هایی از اقدامات وی می‌باشد. در اجتماع بزرگ جمعیت مدارس بنگلادش در تاریخ ۲۰ ژانویه ۱۹۸۸م رئیس‌جمهور اعلام کرد که زندگی فرهنگی مردم بنگلادش باید بر پایه اصول اسلامی باشد. وی همچنین بر برپایی نماز جمعه تأکید نمود. همه این مطالب در هشتمین اصلاحیه قانون اساسی (توسط مجلس ملی) در تاریخ ۷ ژوئن ۱۹۸۸ عنوان شده و اسلام دین رسمی کشور بنگلادش اعلام گردید (همان، ص ۴۴).

روابط پیروان ادیان و مذاهب مختلف با یکدیگر

از آن‌جا که در استقلال شبه قاره، مسلمانان و هندوها به طور مشترک در عملیات از بین بردن قوای متجاوز انگلیسی نقش داشتند، استعمارگران انگلیسی همواره سعی می‌کردند هم‌زمان با فعالیت‌های سیاسی، از طریق تحریک عوامل خودفروخته به اختلافات مذهبی مسلمانان و هندوها دامن زده و به این وسیله تاوان شکست سیاسی خود را در مذاکرات دریافت نمایند.

از طرفی اتحاد مسلمانان و هندوها در مبارزات علیه استعمارگران بریتانیایی قابل تحسین است ولی از طرف دیگر درگیری‌هایی که به تحریک عوامل استعمارگر صورت می‌گرفت، تأسف برانگیز است. یکی از تأسف‌بارترین و دهشتناک‌ترین این درگیری‌ها در سال ۱۹۴۶م در بیهار بود که طی آن هزاران مسلمان توسط افراتیون هندومذهب به قتل رسیدند. به تلافی کشتار مسلمانان در بیهار مردم مسلمان نواخالی (یکی از شهرهای مذهبی بنگلادش) به قتل‌عام هندوها دست زدند تا به این وسیله آتش خشم خود را فرو ریزند. اوضاع آن‌چنان بحرانی و وخیم بود که «مهاتما گاندی» که به خوبی از نقشه‌ها و توطئه‌های استعمارگران آگاهی داشت به بیهار و نواخالی مسافرت نمود تا طرفین درگیر را از ادامه نبرد و کشتار باز دارد و آنان را متوجه دشمن اصلی نماید. هند و پاکستان به ترتیب بر اساس دارا بودن اکثریت هندو و مسلمان مستقل تشکیل شد. درگیری‌های فرقه‌ای در هند و پاکستان هم‌چنان ادامه دارد ولی این درگیری‌ها در بنگلادش کمتر از دو کشور دیگر می‌باشد و تقریباً پیروان ادیان و مذاهب مختلف در کنار یکدیگر با مسالمت زندگی می‌کنند (همان، ص ۴۵).

دکتر الیاس بنگلادشی استاد دانشگاه‌های حبشه در مورد سنت‌های رایج عزاداری امام حسین علیه السلام در کشور بنگلادش و وحدت شیعیان و اهل سنت در این مراسم می‌گوید:

«در کل کشور نزدیک به هزاران حسینیه وجود دارد که اکثراً در دست سنی‌هاست. مراسم از اول ماه محرم شروع می‌شود و با شروع این ماه پرچم سیاه به نشانه عزای حسینی بالای گنبدها،

بارگاه‌ها و تکایا دیده می‌شود. از اول محرم نیز ماتم و سوگواری و عزاداری و سخنرانی حتی اطعام که کامل‌ترین آن در روز عاشورا است، آغاز می‌گردد و به‌طور گسترده و باشکوهی عزاداری عظیمی در سراسر کشور در خیابان‌ها به راه می‌افتد. شیعه و سنی معلوم نمی‌شود و قابل تشخیص نیستند؛ همه با هم. حتی حضور سنی‌ها هیچ تفاوتی با شیعیان ندارد و تابوتی را به نشانه تابوت امام به طور نمادین و اسطوره‌ای درمی‌آورند» (سایت اطلاع رسانی جامعه المصطفی).
 وی هم‌چنین در مورد نزدیکی و ارتباط برادرانه بسیار زیاد بین شیعیان و اهل سنت که به دلیل نزدیکی در عقاید به شیعه شدن بسیاری از اهل سنت منجر شده است، می‌فرماید:
 «در تبلیغ معارف اهل بیت علیهم‌السلام و هم‌چنین مراسمی که متعلق به اهل بیت علیهم‌السلام هست، شیعیان اصیل و سنتی هیچ نوع اقدام چشم‌گیر و اقداماتی که ملموس باشد، ندارند، بلکه کسانی که از اهل سنت به تشیع گرویده‌اند و مستبصر شده‌اند، بیشترین مراسم و بیشترین معرفی اهل بیت علیهم‌السلام از طرف آنها صورت می‌گیرد. کما اینکه مراسم روز ۱۸ ذی‌الحجه (روز عید غدیر) را مستبصرین انجام می‌دهند و سنتی‌ها چون از اجدادشان یک سری چیزهایی را دارند، به همان اکتفا کردند» (همان).

در بنگلادش به مناسبت هفته وحدت و میلاد پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام صادق علیه‌السلام، مراسمی با حضور صدها نفری و مشترک شیعیان و اهل سنت برگزار می‌شود.
 آقای صلاح‌الدین احمد از طلاب بنگلادشی می‌گوید:
 «در برهه حساسی از تاریخ که در آن به سر می‌بریم، باید با پرهیز از هر بزرگ‌نمایی مذهبی، بر توافقات خود با دیگر مذاهب که همان قرآن و سنت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، تأکید کنیم». این طلبه بنگلادشی شناسایی و مبارزه با دشمن مشترک را نیز همانند تأکید بر مشترکات عامل تقریب دانسته و اذعان می‌نماید: «مسلمین در جهان کنونی، نیازمند وحدت هستند. هرچند که پیروان مذاهب مختلف و متنوع اسلامی حق دارند که بنا به اعتقادات خود عمل کنند، اما نباید منجر به دامن زدن به اختلافات گردد». وی اضافه می‌نماید: «هم‌چنان که پیروان حنفی اهل سنت خود را ملزم به پیروی از عقاید مالکی نمی‌دانند، نمی‌توان از شیعیان یا اهل سنت این انتظار را داشت که خود را به مذهب مقابل در بیاورند». وی حفظ وحدت را واژه‌ای عقلایی دانسته و خاطر نشان می‌کند: «عقل، حکم به حفظ وحدت و تقریب مذاهب می‌دهد و شرع نیز بنا به آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» این حکم را تأکید می‌کند». این طلبه بنگلادشی وحدت مذاهب اسلامی را حکمی واقعی ارزیابی و اظهار می‌نماید: «فتاوی محکم مراجع تقلید شیعه در این زمینه، از روی مصلحت‌اندیشی نیست، در نتیجه، اگر روزی شیعیان از اهل سنت نیز افزون گردند، حکم به حفظ تقریب هم‌چنان پابرجا است» (همان).

سنی مذهب‌های بنگلادش بیشتر از اسامی ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} و پیشوندهای میر، میرزا، سید، بی‌بی و بیگم برای نام‌گذاری فرزندانشان استفاده می‌کنند. اسامی و القابی مانند: کنیز فاطمه، کنیز بتول، و اسامی ائمه^{علیهم‌السلام} نیز در بین مردم این کشور به وفور یافت می‌شود. حسینیّه دالان، بزرگ-ترین حسینیّه بنگلادش است که به عنوان بنایی توریستی در نقشه‌های داکا معرفی شده و روزانه جهانگردان مختلفی از سرتاسر جهان از آن بازدید می‌کنند. درهای این حسینیّه به روی هندوها و سنی‌ها نیز باز است و شاید به همین دلیل باشد که شهرت بیشتری پیدا نموده است. حسینیّه دالان مجموعه‌ای تاریخی با بیش از چهار قرن قدمت می‌باشد. گفته می‌شود این حسینیّه در عصر حکومت مسلمانان در شبه قاره و توسط یکی از مشایخ شیعه که حاکم داکا بوده، ساخته شده است. و به خودی خود دلیلی بر اهمیت و نفوذ مکتب اهل بیت^{علیهم‌السلام} در آن زمان در بین مردم بوده است. مجتمع حسینیّه شامل یک ساختمان اصلی می‌باشد که مراسم و عزاداری‌ها و نیز نمازهای یومیّه در آن برگزار می‌شود. در قسمتی از این مسجد ضریحی قرار داد که دو برجستگی به عنوان قبور امام حسن^{علیه‌السلام} و امام حسین^{علیه‌السلام} در آن قرار دارد. مردم، به ویژه اهل سنت، با حالت تضرع و ندبه کنار این ضریح می‌ایستند و اشک‌ریزان دست به دعا و استغاثه برمی‌دارند و حاجات خود را به زبان می‌آورند. (www.havzah.net).

با توجه به موارد مهمی که ذکر شد به نظر می‌رسد که شیعیان و اهل سنت در بنگلادش به شدت به هم نزدیک بوده و روابط برادرانه‌ای دارند و در کنار هم وحدت اسلامی را به نمایش می‌گذارند که همین امر باعث وحشت دشمنان اسلام شده است.

تشکیلات مذهبی در بنگلادش

در دوران شکوفایی اسلام در بنگلادش ترویج و تبلیغ اسلام در بین مردم بیشتر از طریق صوفیان صورت می‌گرفت. در این دوران عموماً در جوار کاخ پادشاهان و یا سلاطین، محلی موسوم به «مریدخانه» قرار داشت که پیروان مذاهب مختلف به هنگام پذیرش اسلام به این محل آورده می‌شدند.

در این دوران و پس از آن، مساجد بزرگی از سوی سلاطین و مردم مسلمان ساخته می‌شد. در سال ۱۳۷۵ میلادی اسکندر شاه مسجد معروف «آدینه» را در پاندوآ در ایالت مالدا واقع در بنگال غربی بنا نمود. این مسجد بزرگ‌ترین مسجد در شبه قاره می‌باشد. در کنار این مساجد، مدارس و حوزه‌های علمیه‌ای نیز بنا می‌شد که به تعلیم و تربیت طلاب می‌پرداخت. در سال ۱۸۶۷ نخستین مرکز علمی و فقهی معروف شبه قاره در محلی به نام «دیوبند» تأسیس گردید. این حوزه علمیه که به منظور ارتقای دانش و خرد مسلمانان شبه قاره و انتشار اسلام تأسیس

گردیده بود نقش مهمی در آگاهی سیاسی و ترویج و ترغیب مسلمانان به فراگیری آیات جهاد ایفا نمود و تأثیر به‌سزایی نیز در مردم بنگال بر جای گذاشت (دایرةالمعارف بریتانیا، ۱۹۹۸م، ج ۲، ص ۶۸۹ - ۶۹۰).

به طور کلی مؤسسات و سازمان‌های اسلامی در بنگلادش را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد:

- ۱- مؤسساتی مانند مدرسه، مساجد و گروه‌های داوطلبی که احکام اسلامی را تدریس می‌کنند؛
- ۲- مراکزی که اطراف آرامگاه‌های صوفیان و روحانیون تشکیل می‌شود؛
- ۳- سازمان‌های متعدد اجتماعی، مذهبی و فرهنگی که وظیفه آنها رسیدگی به وضعیت رفاهی مسلمانان است؛
- ۴- مدارس و حوزه‌های دینی که از قدیم به کار تعلیم و تربیت مربیان و رهبران دینی اشتغال داشته است.

هزاران مسجد موجود در بنگلادش مراکز فعالی برای فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی است. سازمان‌هایی مانند «هیئت مسجد بنگلادش»، «مسجد سماج» و «بیت‌الشرف» فعالیت‌های برخی از این مساجد را هماهنگ کرده و برنامه‌هایی برای فعالیت‌های فرهنگی - مذهبی تهیه می‌کنند. ساخت مساجد جدید و توسعه، تعمیر و تزئین مساجد قدیمی به مشخصه پیشرفت ناگهانی اسلام در بنگلادش تبدیل شده است (همان، ص ۶۹۰ - ۶۹۱).

آرامگاه‌های صوفیان و روحانیون نیز از قدیم بزرگ‌ترین مراکز دعا و نیایش و تعلیم اصول قرآن و سنت در بنگلادش بوده است. صدها آرامگاه در بنگلادش وجود دارد. این صوفیان که از کشورهای عربی و آسیای مرکزی به بنگلادش آمده‌اند، نقش مهمی در توسعه اسلام در این کشور به عهده داشته‌اند و پس از مرگشان مزار آنها به صورت مرکزی برای دعا و عبادت مردم در آمده است. درگاه شاه جلال در سیلپت، شاه نعمت و بایزید بسطامی در چیتاگنگ، شاه مخدوم در پاینا، خان جهان علی در خولنا و مزار میرپور در داکا از مهم‌ترین این مراکز می‌باشد که بازسازی شده است. پیشوا ذاکر منجیل (مرکز عبادی بین‌المللی) اترشی، فریدپور که به وسیله حضرت شاه صوفی مولانا حشمت‌الله (معروف به پیر صاحب اترشی) تأسیس شده اخیراً به مشهورترین این مراکز تبدیل شده است. صدها نفر از مردم روزانه از نقاط مختلف کشور به این آرامگاه‌ها می‌روند. در اعیاد مذهبی نیز صدها نفر از مردم عادی و مقامات دولتی در این مکان‌ها گردهم می‌آیند. درگاه اترشی مجتمع بزرگی در یک منطقه روستایی است اما با امکانات فراوان یک مسجد، یک مدرسه و یک استراحتگاه با گنجایش چندین هزار نفر. یک مرکز تحقیقات

بین‌المللی نیز در آن‌جا تأسیس شده است. بسیاری بر این باورند که پیشوا ذاکر منجیل احتمالاً جامعه بنگلادش را بار دیگر بر طبق اصول و سنت اسلامی شکل داده است (فرزین‌نیا، همان، ص ۴۹).

سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی و مذهبی نیز در بنگلادش وجود دارد که مهم‌ترین آنها بنیاد اسلامی، هیئت مسجد بنگلادش، انجمن مدرسه قرآنی، مرکز اسلامی بنگلادش، جمعیت‌المدرسین بنگلادش، هیئت جهانی اسلام (قرآن و سنت)، اتحاد الامه و شورای سازمان‌های اجتماعی - فرهنگی اسلامی می‌باشد. «بنیاد اسلامی» مسئولیت آموزش امامان مساجد را به عنوان رهبران اجتماع در کشور به عهده دارد. این بنیاد با برگزاری اجلاس‌ها و انجام کارهای تحقیقاتی اسلامی به شهرت دست یافته است و انتشار دائرةالمعارف اسلامی یکی از آثار ارزشمند آن می‌باشد. «هیئت مسجد بنگلادش» تصمیم دارد تا مساجد را به مراکز فعالیت‌های اجتماعی مذهبی تبدیل کند. انجمن دیگری نیز به ارائه خدمات رفاهی به تازه‌مسلمانان و موعظه کردن آنها مشغول است. تلاش این گروه در جهت تقویت ایمان مسلمانان به قرآن و سنت بوده است (همان).

اقتصاد بنگلادش

بنگلادش با جمعیت بسیار و شرایط خاص اقلیمی و مشکلات سیاسی که موجب عقب‌ماندگی و بی‌نظمی امور اقتصادی آن شده، در زمره کم‌درآمدترین کشورهای جهان بوده و اقتصاد آن به کمک‌های خارجی و ارزی - که بنگلادشی‌های خارج از کشور به داخل می‌فرستند - متکی است (أسعدی، همان، ج ۲، ص ۶۵). پس از استقلال، دولت سه برنامه پنج‌ساله (از ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۹م) برای بهبود اوضاع اقتصادی تدارک دید. واحد پول بنگلادش «تاکا» است که از سال ۱۹۸۲م به جای روپیه پاکستان به جریان افتاد (بنگلادش، همان، ص ۵۴).

اساس اقتصاد بنگلادش بر کشاورزی مبتنی است که توسط بخش خصوصی اداره می‌شود. خاک بنگلادش بسیار حاصل‌خیز است و حدود ۸۰٪ کل نیروی کار این کشور به کشاورزی اشتغال دارند و ۹۰٪ عواید صادراتی این کشور از محصولات کشاورزی تأمین می‌شود؛ اما به سبب تراکم شدید جمعیت، حدود ۱۷٪ واردات این کشور به مواد غذایی اختصاص یافته است (أسعدی، همان، ص ۷۵)، برنج و چتایی (کنف هندی) از محصولات عمده کشاورزی و صادرات اصلی بنگلادش به شمار می‌رود و کارخانه کنفریسی آدامجی در شهر ناراین‌گنج بزرگ‌ترین کارخانه کنفریسی جهان است (همان، ص ۷۷). چای، سیب‌زمینی، نیشکر، توتون، ادویه و میوه‌های گرمسیری از محصولات دیگر بنگلادش است. ماهی‌گیری نیز از مشاغل مهم

در این کشور به شمار می‌رود و بیش از پنج میلیون نفر به این کار اشتغال دارند (دایرةالمعارف بریتانیا، همان، ص ۶۸۹ - ۶۹۰).

بنگلادش بجز گاز طبیعی منابع معدنی زیادی ندارد. زغال سنگ و سنگ آهک نیز در این کشور کشف شده و بهره‌برداری گردیده است (علیزاده، همان، ص ۴۴).

این کشور از لحاظ صنعتی عقب مانده است و تنها ۷٪ نیروی کار در بخش صنعت اشتغال دارد. کارخانجات نساجی، کودسازی، فولاد، سیمان و شکر از صنایع بزرگ این کشور است که بیشتر در شهرهای داکا، چیتاگانگ، سیلپت و کومیلا متمرکز است (أسعدی، همان، ص ۸۲).

بخش‌های مختلف اقتصادی

الف) معادن

۱- گاز: بنگلادش از لحاظ منابع معدنی چندان غنی نیست. گاز طبیعی یکی از مهم‌ترین منابع بنگلادش می‌باشد. کل ذخایر گاز طبیعی این کشور بالغ بر سیزده تریلیون فوت مکعب می‌باشد. تاکنون چهارده حوزه گاز طبیعی در این کشور کشف شده است که از آن در تولید نیرو، صنایع و مصارف خانگی استفاده می‌شود.

گاز طبیعی در سال ۱۹۵۵م توسط شرکت نفت پاکستان در هرپیور واقع در پانزده مایلی شرق سیلپت کشف شد. گاز هاریپور در ۱۱۰۰ پای عمیق زمین قرار دارد. به دنبال کشف گاز هرپیور فعالیت‌هایی در پنج حوزه گازی دیگر واقع در شمال شرقی بنگلادش و بندر چیتاگانگ انجام گرفت (سالنامه آسیا، همان، ص ۸۸).

۲- زغال سنگ: یکی دیگر از معادن قابل توجه بنگلادش زغال سنگ می‌باشد. ذخایر زغال سنگ کشف شده هفتصد میلیون تن بوده، در منطقه «جمال گنج» و «ممنسینگ» و در عمق سه هزار پای قرار دارد. در مناطق «فریدپور» و «کولنا» نیز زغال سنگ کشف شده است. اخیراً نیز با کمک سازمان «توسعه ماورای بحار انگلیس» ذخایر عظیم زغال سنگ به میزان ده‌ها میلیون تن در دهکده مدانخالی از بخش پیرگنج از توابع شهرستان رانگپور و در منطقه‌ای به وسعت پنجاه مایل مربع و به عمق ۹۵۰ فوت کشف گردیده است. زغال سنگ کشف شده بهترین نوع زغال سنگی است که تاکنون در شبه قاره هند کشف شده و قادر خواهد بود نیازهای بنگلادش را تا صد سال آینده تأمین نماید. بنگلادش به علت عدم امکانات مالی و فنی قادر به بهره‌برداری کافی از منابع زغال سنگ خود نمی‌باشد (همان، ص ۸۹).

۳- نفت: بنگلادش دارای ذخایر نفت اندکی در چیتاگانگ (واقع در جنوب) و سیلپت (واقع در شمال شرقی کشور و در مجاورت ایالت نفت خیز آسام هند) می‌باشد. در دسامبر ۱۹۸۶

کارشناسان بنگلادشی با استفاده از تکنولوژی خارجی و اعتبار ده میلیون دلاری بانک توسعه آسیایی موفق به کشف ذخایر جدید نفت در منطقه «هریبور» واقع در سیلپت شدند. با کشف منابع مزبور بنگلادش اکنون روزانه حدود سیصد تا چهارصد بشکه نفت خام استخراج می‌نماید. البته به طوری که وزیر انرژی بنگلادش اظهار نموده است این کشور در حال حاضر به علت نداشتن امکانات لازم و مشکل حمل نفت از ناحیه سیلپت به تنها پالایشگاه خود واقع در چیتاگانگ از تمامی چاه‌های نفتی واقع در سیلپت بهره‌برداری نمی‌کند(همان).

۴- سنگ‌آهک: بنگلادش دارای ذخایر قابل ملاحظه‌ای از سنگ‌آهک در مناطق «بوگرا»، «رانگپور» و «دیناچپور» می‌باشد. ذخایر سنگ‌آهک این کشور حدود صد میلیون تن تخمین زده شده است. از این سنگ جهت تولید سیمان در دو کارخانه چاتاک و چیتاگانگ استفاده می‌گردد.

۵- نمک: در سواحل خلیج بنگال و در مناطق «چیتاگانگ» و «کوکس بازار» مقادیر قابل توجهی نمک طعام به دست می‌آید، اما این میزان نیازهای کشور را برآورده ننموده و بنگلادش مجبور است سالانه مقدار زیادی نمک از خارج وارد نماید(دایرةالمعارف بریتانیا، همان، ص ۶۹۰-۶۹۱).

سایر مواد معدنی که در این کشور به دست آمده عبارت است از: خاک رس، سیلیس، اکسید آلومینیوم، مس، اورانیوم و توریم(همان و نیز ر.ک: فرزین‌نیا، همان، ص ۱۰۵).

ب) کشاورزی

کشاورزی فعالیت اصلی اقتصادی کشور بنگلادش را تشکیل می‌دهد و حدود ۴۰٪ تولید ناخالص داخلی و نیمی از تولید ناخالص ملی و ۷۵٪ اشتغال کل کشور را به خود اختصاص داده است.

کلیه اراضی قابل زراعت زیر کشت قرار داشته و برنج مهم‌ترین محصول کشاورزی می‌باشد. پس از برنج، کنف و سپس گندم از محصولات اساسی بنگلادش است. زمین‌های زراعی بیشتر در شمال کشور بنگلادش قرار دارد و زمین‌های جنوبی بیشتر در معرض سیل قرار می‌گیرد. به-رغم افزایش تولیدات کشاورزی، بنگلادش هنوز قادر به تأمین نیازهای داخلی دانه‌های غذایی (گندم و برنج) خود نمی‌باشد و افزایش سالانه رشد تولیدات کشاورزی به زحمت جواب‌گویی افزایش رشد جمعیت در این کشور می‌باشد. علاوه بر مشکل جمعیت، بنگلادش در معرض انواع حوادث طبیعی از قبیل سیل، گردباد و خشک‌سالی قرار دارد که معمولاً محصولات کشاورزی این کشور را متحمل خسارات سنگین می‌سازد. محصول برنج در ۷۵٪ زمین‌های زراعی کاشته می‌شود(أسعدی، همان، ص ۷۸).

تقاضای داخلی برای کود از ۲۱۰ هزار تن به ۱/۵ میلیون تن افزایش یافته است. پروژه کود شیمیایی چیتاگنگ که در سال ۱۹۸۷ تکمیل شد تولید کود را به حدود ۵۶ هزار تن در سال رساند.

کشاورزان بنگلادشی در برنامه‌های عمرانی در زمینه‌های مدرنیزه کردن کشاورزی، ایجاد اشتغال، توسعه آموزش و مهارت و رشد فیزیکی و اجتماعی که از سوی بخش‌های مختلف دولت انجام می‌گیرد مشارکت می‌نمایند. دولت بنگلادش علاوه بر آبیاری به موقع، باید به مسئله کنترل سیل، اعتبار برای خرید بذر و کود شیمیایی، ذخیره‌سازی، حمل و نقل و توسعه تسهیلات بازار برای کشاورزان توجه کند(همان).

ج) جنگل‌داری

در حدود ۳/۸ میلیون جریب از اراضی جنگلی اطراف بنگلادش تقریباً ۱۴٪ کل نواحی ارضی بنگلادش را تشکیل می‌دهد. علاوه بر این، ۲/۴ میلیون جریب دیگر اراضی جنگلی تپه‌ای کنترل نشده نیز که به جنگل‌های دولتی طبقه‌بندی نشده (USF)، معروف است، در این کشور وجود دارد. منابع جنگلی یکی از منابع اصلی مصرف انرژی سنتی در کشور است. این منابع بیش از ۶/۵٪ به ارزش کشاورزی افزوده و بیش از ۷۵٪ از مصرف انرژی را تشکیل می‌دهد. با افزایش جمعیت، اراضی جنگلی برای کشت محصولات غذایی صاف می‌شود و در عین حال تهیه چوب برای اهداف سوختی به حدود ۱۶٪ حجم انرژی قبل می‌رسد(فرزین‌نیا، همان، ص ۱۰۸).

د) انرژی

ذخایر بزرگی از گاز طبیعی در بنگلادش وجود دارد. تا سال ۱۹۸۵، سیزده رشته گاز در این کشور کشف شده بود. در سال ۱۹۸۶ دولت دومین پروژه توسعه گاز را افتتاح کرد و در نظر داشت تولید گاز را از رشته‌های موجود افزایش دهد. و نیز هیدروکربن مایع را تولید کند. در ژوئیه ۱۹۸۸ یک نیروگاه تولید برق با سوخت گاز در هرپور افتتاح شد(همان، ص ۱۱۱).

ه) صنایع

صنایع فقط ۱۵٪ از تولید ناخالص داخلی (GDP) را تشکیل می‌داده است و ۴۳٪ واردات شامل محصولات صنعتی بوده است، اما تولید صنعتی سالانه از ۶٪ به حدود ۱۰٪ افزایش یافت.

کنف نقش مهمی در اقتصاد بنگلادش ایفا می‌کند؛ اولاً به عنوان محصول صادراتی و ثانیاً به عنوان مهم‌ترین ماده خامی که در صنایع این کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد (اسعدی، همان، ص ۸۵).

و) شیلات

ماهی یکی از منابع عمده پروتئین حیوانی در بنگلادش بوده و حدود ۸۰٪ پروتئین حیوانی در این کشور از ماهی و آبزیان دیگر تأمین می‌گردد. بنگلادش دارای بیش از هفتصد رودخانه بزرگ و کوچک و تعداد بسیاری دریاچه، برکه، استخر، حوضچه ذخیره آب و... در مجموع به مساحت ۴/۳۷ میلیون هکتار بوده که ۸۰٪ تولید کل ماهی کشور را به خود اختصاص می‌دهد. این کشور هم‌چنین دارای ۲۵۰ مایل آب‌های ساحلی در خلیج بنگال می‌باشد که ۲۰٪ تولید ماهی کشور از این آب‌ها تأمین می‌شود (فرزین نیا، همان، ص ۱۱۵).

ز) راه‌ها

راه‌آهن این کشور در سال ۱۹۸۲م به دو شبکه شرقی و غربی تقسیم شد. شهر چیتاگانگ مرکز شبکه شرقی راه‌آهن و شهر راج‌شاهی مرکز شبکه غربی آن است و در سال ۱۹۸۳م به سیستم ارتباط مستقیم بین‌المللی پیوست (اسعدی، همان، ص ۹۱).

ح) صادرات و واردات

از اقلام صادراتی بنگلادش، می‌توان از چتایی، که به اختلاف سال‌ها، رقمی بین ۵۰ تا ۹۰٪ صادرات را به خود اختصاص داده بوده است، چرم، چای و میگو که در اطراف خلیج بنگال پرورش می‌یابد، یاد کرد (بنگلادش، همان، ص ۶۱). ۹۰٪ صادرات به کنف اختصاص دارد. سهم چای و چرم حدود ۷/۵٪ سهم و سایر اقلام صادراتی ۲/۵٪ می‌باشد. کشورهای بازار مشترک اروپا بزرگ‌ترین خریدار کالاهای بنگلادش می‌باشند و حدود ۳۰٪ درآمد صادرات این کشور ناشی از خریدهای بازار مشترک بوده است. کشورهای منطقه آمریکا دومین خریدار بزرگ کالاهای بنگلادش می‌باشند که ۲۹٪ صادرات بنگلادش به آمریکا اختصاص دارد. منطقه آسیا (منهای خاورمیانه) با اختصاص ۱۸٪ صادرات بنگلادش به خود مقام سوم را در واردات کالا از بنگلادش داشته است (فرزین نیا، همان، ص ۱۳۶). واردات بنگلادش بیشتر به مواد غذایی که شامل گندم، برنج، روغن‌های خوراکی و دانه‌های روغنی است مربوط می‌شود. دیگر اقلام مهم وارداتی

بنگلادش شامل نفت خام، پنبه، الیاف خام، نخ، منسوجات، کودهای شیمیایی و سیمان می‌شود(همان، ص ۱۳۳).

عضویت در پیمان‌ها و سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی و منطقه‌ای

مهم‌ترین سازمان منطقه‌ای که بنگلادش در آن فعالیت دارد، سازمان همکاری منطقه‌ای (اتحاد) آسیای جنوبی یا «سازک» می‌باشد که از دسامبر ۱۹۸۵ به طور رسمی شروع به کار نمود. در این سازمان علاوه بر بنگلادش کشورهای هند، مالدیو، نپال، پاکستان و سری‌لانکا عضو می‌باشند و در زمینه همکاری‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی فعالیت می‌کنند.

مهم‌ترین اتحادیه‌ها و سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی و منطقه‌ای که بنگلادش در آنها مشارکت دارد به قرار ذیل می‌باشد:

- ۱- کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و پاسیفیک (اسکاپ)؛
- ۲- سازمان بین‌المللی کنف که مقر این سازمان در داکا می‌باشد؛
- ۳- مرکز توسعه جامع روستایی برای آسیا و پاسیفیک (سیرداپ). مرکز سیرداپ نیز در داکا می‌باشد؛
- ۴- گروه ۷۷؛
- ۵- سازمان بین‌المللی دریانوردی؛
- ۶- شورای خواربار جهانی؛
- ۷- بانک توسعه آسیایی؛
- ۸- بانک اسلامی توسعه؛
- ۹- بانک جهانی؛
- ۱۰- صندوق بین‌المللی پول؛
- ۱۱- صندوق بین‌المللی برای توسعه کشاورزی (ایفاد)؛
- ۱۲- سازمان خواربار و کشاورزی (فائو)؛
- ۱۳- کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (انکتاد)؛
- ۱۴- دفتر تجارت و توسعه (وابسته به انکتاد)؛
- ۱۵- اجلاس مدیران عامل بانک‌های مرکزی (سیانزا)؛
- ۱۶- اتحادیه پایاپای آسیایی؛
- ۱۷- اتحادیه الکترونیک آسیایی؛
- ۱۸- اتاق بازرگانی بین‌المللی؛

- ۱۹- اتاق بازرگانی و صنایع و تبادلات کالای اسلامی (وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی)؛
- ۲۰- سازمان‌های توسعه تجارت اعضای کنفرانس اسلامی؛
- ۲۱- انجمن بین‌المللی توسعه؛
- ۲۲- برنامه خواربار جهانی؛
- ۲۳- فدراسیون حسابداران جنوب آسیا؛
- ۲۴- طرح کلمبو؛
- ۲۵- سازمان بین‌المللی کار؛
- ۲۶- کمیته دائمی همکاری بازرگانی و اقتصادی (وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی) (فرزین‌نیا، همان، ص ۱۴۰-۱۴۴).

قانون اساسی و تشکیلات حکومتی

قانون اساسی در سال ۱۹۷۲ تصویب شد و بر ایجاد اقتصاد سوسیالیستی و تحکیم و ابقا و تقویت روابط برادرانه بین کشورهای مسلمان بر اساس وحدت اسلامی تأکید دارد. همچنین بر اساس این قانون، نخست‌وزیر در رأس قوه مجریه قرار دارد و از سوی حزبی که بیشترین کرسی را در مجلس در اختیار دارد انتخاب می‌شود. بر اساس اصلاحیه قانون اساسی در سال ۱۳۶۷ش/۱۹۸۸م، اسلام دین رسمی است. از اواسط دهه ۱۳۴۹ش/۱۹۷۰م، به ویژه در دولت ضیاءالرحمان، فعالیت‌های اسلامی افزایش یافته است و مؤسسات و سازمان‌های اسلامی و احزاب سیاسی اسلامی، مانند جماعت اسلامی، اهمیت بیشتری یافته‌اند (کتاب سال جهان اروپا، همان).

احزاب سیاسی فعالیت چشم‌گیری در صحنه سیاسی بنگلادش دارند. عوامی‌لیگ (اتحاد خلق) که در سال ۱۳۲۷ش/۱۹۴۸م برای فعالیت‌های جدایی‌طلبانه - نسبت به پاکستان - توسط مجیب‌الرحمان تأسیس شد، از احزاب مهم بنگلادش است. حزب مسلم‌لیگ نیز از دیگر احزاب فعال این کشور است (أسعدی، همان، ص ۴۹-۵۷).

در انتخابات سال ۲۰۰۱ نیز حزب ملی‌گرای بنگلادش با ائتلاف با احزاب اسلام‌گرا در انتخابات شرکت کرد و برای سومین بار به پیروزی دست یافت.

خالده ضیا همسر ژنرال ضیاءالرحمن، رئیس جمهوری پیشین بنگلادش از سال ۱۹۷۷ تا زمان ترور او در سال ۱۹۸۱ زمام امور این کشور را در دست داشت. در پی ترور ژنرال ضیاءالرحمان، خالده ضیا وارد صحنه سیاست شد و رهبری حزب ملی‌گرای بنگلادش را در دست گرفت. شیخ حسینه، که دختر مجیب‌الرحمن، پایه‌گذار کشور بنگلادش است، از سال ۱۹۹۶ تا

۲۰۰۱ مقام نخست‌وزیری این کشور را در دست داشت و به عنوان رهبر حزب عوامی لیگ، از رهبران سیاسی مهم بنگلادش به‌شمار می‌آمد. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۲ میلادی تاج‌الدین احمد با اکثریت آرا به پیروزی رسید.

از ماه اکتبر سال ۲۰۰۶ و پایان دوره زمامداری خالد ضیا یک دولت انتقالی زمام امور بنگلادش را در دست گرفت. بر اساس قوانین بنگلادش، در صورتی که در پایان یک دوره پارلمانی انتخابات جدیدی برگزار نشده باشد، دولت انتقالی می‌تواند به مدت سه ماه زمام امور را به منظور فراهم کردن زمینه برگزاری انتخابات در دست بگیرد (کتاب سال جهان اروپا، همان).

با این همه، دولت انتقالی انتخابات پارلمانی را که برای ماه ژانویه سال ۲۰۰۷ برنامه‌ریزی شده بود به دلیل درگیری‌های خونین بین طرفداران حزب ملی‌گرا و حزب عوامی لیگ به تعویق انداخت و با اعلام وضعیت اضطراری در بنگلادش، به اقداماتی برای پاکسازی صحنه سیاست این کشور از فساد دست زد. حدود دو دهه خصومت سیاسی بین شیخ حسین و خالد ضیا از عوامل ناآرامی و بی‌ثباتی در این کشور بوده است. ده‌ها تن از سیاست‌مداران بنگلادشی، از جمله طارق رحمان، فرزند خانم خالد ضیا، به اتهام فساد مالی بازداشت شدند.

در سال ۲۰۰۹ به دنبال به قدرت رسیدن شیخ حسین، نیروهای شبه نظامی بنگلادش دست به شورش زدند؛ شورش که از داکا آغاز شد و به تدریج به دیگر شهرهای بنگلادش را در بر گرفت ولی بعداً به‌طور کامل سرکوب شد. اصلاحاتی که دولت شیخ حسین به منظور سکولارتر کردن قانون اساسی بنگلادش صورت داد، باعث خشم تندروها در این کشور شد (همان).

قوه مجریه

بر اساس قانون اساسی بنگلادش نخست‌وزیر در رأس قوه مجریه قرار دارد. پس از تشکیل پارلمان، حزب حاکم نخست‌وزیر را تعیین می‌نماید و وی کابینه خود را به تأیید مجلس می‌رساند. رئیس‌جمهور نیز از طرف مجلس برای مدت پنج سال انتخاب می‌شود. طبق آخرین اصلاحات در قانون اساسی بنگلادش ریاست قوه مجریه به عهده نخست‌وزیر می‌باشد و رئیس‌جمهور نقش دوم را برعهده دارد.

قوه مقننه

مجلس بنگلادش جاتیاسنگساد (خانه ملت) نام داشته و سیصد عضو انتخابی دارد که از طریق انتخابات به‌طور مستقیم از طرف مردم انتخاب می‌شوند. و سی عضو مجلس زن هستند که از طرف سیصد نماینده انتخابی پس از انتخابات تعیین می‌شوند. بنابراین تعداد کل نمایندگان

مجلس ۳۳۰ نفر می‌باشد. مدت نمایندگی مجلس پنج سال است. افراد هجده سال به بالا حق شرکت در انتخابات را دارند. رئیس جمهور حق انحلال پارلمان را دارد و حق اعلام جنگ فقط با مجلس می‌باشد.

در آخرین انتخابات بنگلادش که در فوریه ۱۹۹۱ انجام شد حزب ناسیونالیست بنگلادش ۱۶۸ کرسی، عوامی لیگ ۸۸ کرسی، حزب جاتیا ۳۵ کرسی و جماعت اسلامی ۲۰ کرسی را به دست آورده و نوزده کرسی دیگر به احزاب کوچک و منفردین اختصاص یافت.

قوه قضاییه

قوه قضاییه شامل دادگاه عالی، دیوان عالی و بخش استیناف است. دیوان عالی کشور دارای یک رئیس بوده و رئیس جمهور می‌تواند قضاتی را در آن منصوب نماید. بنابر اصلاحیه‌ای که در زمان ارشاد در قانون اساسی اعمال شد دادگاه عالی به چند بخش در نواحی مختلف کشور تقسیم شد: باریسال، چیتاگانگ، کومیلا، جسور، رنجپور و سیلپت.

تقسیمات کشوری و اداری

بنگلادش به چهار ایالت چیتاگانگ، داکا، خولنا و راجشاهی و ۲۱ منطقه و ۶۴ زیلا تقسیم شده است. مناطق روستایی و شهری در این کشور تقسیمات دیگری نیز دارد. ایالات داکا از ایالات دیگر بزرگ‌تر است و شامل پنج منطقه می‌شود: داکا، فریدپور، جمال‌پور، ممسینگ و تنگابل. ایالت راجشاهی پنج منطقه: بوگرا، دیناج‌پور، پاینا، راجشاهی و رنگپور را شامل می‌شود. ایالت خولنا نیز پنج منطقه: باریسال، جسور، خولنا، کوشیتا و پاتوآخالی را در برمی‌گیرد (عبدالکریم، همان، ص ۳۳).

وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی

- | | |
|--|--------------------------------|
| ۱ - وزارت کشاورزی و محصولات؛ | ۲ - وزارت امور خارجه؛ |
| ۳ - وزارت طرح و برنامه‌ریزی؛ | ۴ - وزارت جنگل و محیط‌داری؛ |
| ۵ - وزارت آذوقه و مدیریت بلاهای طبیعی؛ | ۶ - نخست‌وزیری؛ |
| ۷ - وزارت تشکلات؛ | ۸ - وزارت دادگستری؛ |
| ۹ - وزارت پست و ارتباطات؛ | ۱۰ - وزارت دفاع؛ |
| ۱۱ - وزارت اطلاعات | ۱۲ - وزارت مذهب و اعتقادات؛ |
| ۱۳ - وزارت صنایع دستی و محصولات سنتی؛ | ۱۴ - وزارت امور کار و استخدام؛ |

- ۱۵ - وزارت مسکن و شهر سازی؛ ۱۶ - وزارت امور هوایی و جهانگردی؛
 ۱۷ - وزارت زمین؛ ۱۸ - وزارت نیرو و منابع معدنی؛
 ۱۹ - وزارت بازرگانی و تجارت؛ ۲۰ - وزارت امور قطعات شرف تپه؛
 ۲۱ - وزارت ارتباطات؛ ۲۲ - وزارت صنایع؛
 ۲۳ - وزارت آموزش و پرورش؛ ۲۴ - وزارت آموزش و پرورش نخست و توده؛
 ۲۵ - وزارت کشتیرانی و امور دریایی؛ ۲۶ - وزارت امور اطفال و بانوان؛
 ۲۷ - وزارت امور علمی و تحقیقات؛ ۲۸ - وزارت رفاه پرسپولیس و استخدام خارج از کشور؛
 ۲۹ - وزارت امور داخلی؛ ۳۰ - وزارت رفاه اجتماعی؛
 ۳۱ - وزارت بهداشت و سلامتی و رفاه خانواده؛ ۳۲ - وزارت دارایی؛
 ۳۳ - وزارت امور ماهی گیری و دامداری؛ ۳۴ - وزارت منابع آبی؛
 ۳۵ - وزارت جنگ و جنبش‌ها؛ ۳۶ - وزارت امور جوانان و ورزش؛
 ۳۷ - وزارت امور فرهنگی؛ ۳۸ - وزارت دارایی

روابط خارجی بنگلادش

سیاست خارجی بنگلادش به طور کلی تحت تأثیر عوامل داخلی، از جمله احزاب، اقتصاد ضعیف، بلایای طبیعی و عوامل خارجی، مانند همسایگی با هند به عنوان یک قدرت برتر منطقه‌ای و سازمان‌های کمک‌دهنده خارجی قرار دارد. بنگلادش در امور خارجی از سیاست عدم تعهد و موضع مسالمت‌آمیز پیروی کرده است. روابط با هند از سال ۱۳۷۵ش/۱۹۹۶م با امضای توافق نامه سی ساله تقسیم آب گنگ بهبود یافته است. این کشور در سال ۱۳۵۳ش/۱۹۷۴م به عضویت سازمان کنفرانس اسلامی در آمد و با عضویت در سازمان سارک (جامعه همکاری منطقه‌ای جنوب آسیا) در سال ۱۳۵۳ش/۱۹۷۴م، به عضویت سازمان کنفرانس اسلامی در آمد و با عضویت در سازمان سارک (جامعه همکاری منطقه‌ای جنوب آسیا) در سال ۱۳۶۴ش/۱۹۸۵م به تحکیم روابط با کشورهای منطقه‌ای اهتمام ورزید. از سال ۱۳۵۵ش/۱۹۷۶م، مناسبات بنگلادش با پاکستان بهبود یافته است. در سال ۱۳۷۰ش/۱۹۹۱م پاکستان و بنگلادش درباره بازگشت آوارگان مسلمان بهاری به پاکستان به توافق رسیدند. مسلمانان بهاری که در اردوگاه‌های آوارگان در بنگلادش مستقرند در جنگ استقلال بنگلادش، از پاکستان جانب‌داری کردند. در سال ۱۳۷۱ش/۱۹۹۱م بیش از پنجاه هزار مسلمان میانماری برای گریز از تعقیب سیاسی حکومت میانمار به بنگلادش پناه آوردند. با وجود توافق میان دو کشور در سال

۱۳۷۱ش/۱۹۹۲م درباره بازگشت این آوارگان به میانمار، تا سال ۱۳۷۶ش/۱۹۹۷م بیش از نیمی از آنان هنوز در اردوگاه‌های بنگلادش سکونت داشتند (مجله سیاست خارجی، ۱۳۷۶ش، ص ۹۸۳). پس از تأسیس بنگلادش و به رسمیت شناخته شدن آن از سوی پاکستان در کنفرانس سران کشورهای اسلامی در سوم اسفند ۱۳۵۲/۲۲ فوریه ۱۹۷۴، از آن‌جا که ایران در این خصوص از مواضع پاکستان حمایت می‌کرد، هم‌زمان به طور رسمی اقدام به شناسایی بنگلادش کرد و سفارت آن کشور در ۱۶ خرداد ۱۳۵۳ در تهران گشایش یافت. بنگلادش نسبت به جمهوری اسلامی ایران نیز موضعی معتدل و غیرخصمانه داشته است و در آغاز جنگ عراق بر ضد ایران (۱۳۵۹)، ضیاءالرحمان یکی از سران چند کشور مسلمان بود که به نمایندگی از سازمان کنفرانس اسلامی به منظور میانجی‌گری به ایران سفر کرد (گاهنامه پنجاه ساله شاهنشاهی پهلوی، ۱۳۵۵ش، ج ۳، ص ۲۸۵۹-۲۸۶۰).

بنگلادش در چارچوب روابط با کشورهای اسلامی بیشتر به گسترش روابط با کشورهای ثروت‌مند عربی، به ویژه عربستان، گرایش دارد و کمک‌های مالی فراوانی از عربستان دریافت نموده است (کتاب سال جهان اروپا، همان؛ مجله سیاست خارجی، همان، ص ۹۸۵).

بنگلادش برای قدرت‌های بزرگ سیاسی - اقتصادی جهان، به سبب موقعیت ویژه جغرافیایی و استراتژیک، برای هند، به دلیل مرزهای مشترک، و برای چین به جهت دسترسی آن کشور به آب‌های اقیانوس هند، اهمیت خاصی دارد. در دوره ریاست جمهوری ضیاءالرحمان نزدیکی به دولت‌های مسلمان و ثروت‌مند عرب در دستور کار وی قرار گرفت، و از این رو، این کشورها به سرمایه‌گذاری در بنگلادش اقدام کردند (أسعدی، همان، ص ۶۱).

منابع و مأخذ

الف - منابع فارسی

۱. ابوالبشر، کلثوم، ادبیات و نفوذ زبان فارسی در بنگلادش، تهران، ۱۳۶۵ش.
۲. أسعدی، مرتضی، جهان اسلام، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، جلد دوم، ۱۳۶۹ش.
۳. بنگلادش، واحد تحقیقات بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ۱۳۶۶ش.
۴. بنگلادشی، محمد ابوسعید، ادیان و مذاهب در بنگلادش، نشریه «طلوع»، ش ششم، تابستان ۱۳۸۲ش.
۵. خبرگزاری اهل بیت (ع) ابنا.
۶. رینو، ممتاز، آیین در آیین، ترجمه: حفیظ‌الله شریعتی، فرزانه، اصفهان، ۱۳۸۴ش.

۷. سازمان جغرافیایی ن. م اداره اطلاعات جغرافیایی، زیتون سبز: سپهر، تهران، ۱۳۹۰ش.
۸. سایت اطلاع‌رسانی جامعه‌المصطفی.
۹. سایت www.havzah.net.
۱۰. علیزاده، اسماعیل و کندی، عزیز، شناسنامه فرهنگی بنگلادش، تهران، ۱۳۷۹ش.
۱۱. فرزین‌نیا، زیبا، بنگلادش، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۳ش.
۱۲. گاهنامه پنجاه ساله شاهنشاهی پهلوی، فهرست روز به روز وقایع سیاسی - نظامی - اقتصادی - اجتماعی ایران، تهران، ۱۳۵۵ش.
۱۳. مجله سیاست خارجی، سال ۱۱، شماره ۳، ۱۳۷۶ش.

ب - منابع لاتین

1. Amjad Ali, The Muslim World today, Islamabad. 1985
2. Abdul karim. Bangladesh: History and culture, Pakistan, Journal of History and Culture, Islamabad, 1988.
3. Asia 1997, Yearbook: a review of the events of 1996, Hongkong 1997
4. Encuclopaedia Britannica, Chicago, 1998.
5. The Europa world yearbook, 1998, London 1998.
6. www. Cia. Com.
7. www. tpo. Com.

